



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلیه قوانین مرسومه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۱۹۹۳

۴ شنبه ۲۷ آذر ماه ۱۳۳۰

سال هفتم

شماره مسلسل ۲۱۲

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه نوزدهم آذر ماه ۱۳۳۰
فهرست مطالب:

- ۱ - طرح صورت مجلس جلسات ۱۷ و ۱۴ آذر
 - ۲ - بیانات آقایان: جمال امامی - قاسم فولادوند - شوشتری
 - نخست وزیر و آقای مکی
 - ۳ - موقع و دستور جلسه - بعد ختم جلسه
- مجلس ساعت ۴۵ دقیقه بعد از ظهر بر ریاست آقای کنجی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- طرح صورت مجلس جلسات ۱۴ و ۱۷ آذر

نایب رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست... آقای کشاورز صدر کشاورز صدر - بنده بعد از فرمایشات آقای نخست وزیر عرضی دارم

نایب رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - در جلسه گذشته در ضمن فرمایشات جناب آقای جمال امامی و آقای عبدالقادر آزاد عبارتی گفته شده است استدلال کرده اند در آن عبارت که در نفر از اعضای جبهه ملی از جمعیت هواداران صلح استعفاء کرده اند و آنها سابقه داشتند که یک چنین جرایمی پیش آمد میکند و روز قبل استعفا کرده اند چون لازم است در اطراف این موضوع توضیح داده شود اگر مقام ریاست اجازه می فرمایند

بعنوان اصلاح صورت مجلس توضیح بدهم والا از ماده نظامنامه استفاده می کنم و بعد بنده اجازه بفرمایید در اطراف این موضوع توضیح بدهم که اشکالی باقی نماند
نایب رئیس - به موقع خود بفرمایید آقای آشتیانی زاده

آشتیانی زاده - در جلسه گذشته رفیق محترم بنده آقای مکی راجع فروش نفت يك اظهاراتی کردند که بایستی حتماً امروز از ماده ۹۰ استفاده کنم و حقایق جلسه راجع بتصویب ۹ ماده موده بموجب فروش نفت را از این جا بگوش ملت ایران برسانم

نایب رئیس - راجع به صورت مجلس بفرمایید ماده ۹۰ را می رسم
آشتیانی زاده - بنده می خواستم

از آقا استدعا کنم این را فراموش نفرمایید چون هر وقت بنده مشغول این ماده می شوم ملی حال خود آقا باشد باریک بینی بگیری مانع می شوید امروز بنده برای ماده ۹۰ میایم پشت تریبون را که خواستید جلو گیری کنید بنده حرف میزنم و همانجا می مانم تا بنده را از پشت تریبون بکشند و ببرند و چند عکس هم راجع بوقایع پنج شبه گذشته این جا دارم که خدمت آقای نخست وزیر می فرستم ببینند روشنفکران و اشخاصیکه معرف طبقه متوره مملکت هستند کجا هستند این اشخاص و حضور مردم را با تجميع ترین وضعی غارت کردند (صحیح است)

جمال امامی - آنرا دوباره پس بگیرند

نایب رئیس - آقای فرهودی

فرهودی - عرضی نداشتم

نایب رئیس - آقای مکی

مکی - بنده می خواستم يك توضیح مختصری عرض کنم که پیشنهاد آقای آشتیانی زاده در آن جلسه که بنده مراجعه کردم این بود که از اول بتوانند بزیاده بگذارند و بنده عرض کردم در قانون این طور پیش بینی شده که بخر بدهان سابق عرض میکنم اگر نخریدند آزاد هستیم به هر کس بخواهیم بفروشیم

نایب رئیس - آقای پیراسته در صورت جلسه اعتراضی دارید؟

جمال امامی - بنده هم تقاضا کردم

پیراسته - عرض کنم که اولاً به تشکیل این جلسه اعتراض دارم در جلسه عالی مجلس شورای ملی امروز آقایان دیدند که دو نفر را از عده حاضر در مرکز کس کردند و عده را که ۱۱۴ نفر بود ۱۱۲

نفر کردند و عده را بر زمینهای این برای اینکه جلسه تشکیل شود
امامی اهری - آقای صدری و موسوی و ناظر زاده رفته اند مسافرت پیراسته - چرا قبل از این آوردند این عرض دیگرم اینست که امروز روز اعلامیه حقوق بشر است و بنده از پشت این تریبون (زنك رئیس) نایب رئیس - راجع بصورت جلسه بفرمایید

پیراسته - اعلام می کنم که امروز ملت ایران امنیت ندارد در پایتخت کشور (زنك رئیس) در کشوری که ۳۰ میلیون (زنك رئیس)

نایب رئیس - آقای پیراسته بشما تذکر می دهم

پیراسته - در کشوری که کسی میباید بودجه دواير تأمینیه اش است ریخته اند و ادارات جرایم را غارت کرده اند (زنك متد رئیس - دعوت بسکوت) (نایب رئیس - در صورت مجلس اگر اعتراض دارید بفرمایید) آقایان من سند زنده دارم این آقای معاون بسیار محترم نخست وزیر با آقای شهبان بر مخ هر چه داشته است این عنصر شریف همه را غارت داده است ما نخواهیم گذاشت که این اشخاص مملکت را بخرن بکشند (همی) شهید نمایندگان (زنك رئیس)

نایب رئیس - آقای پیراسته بیانیته یا این بازمی بشما تذکر می دهم (همه نمایندگان)

پیراسته - ما باید امروز اعلام کنیم تا دنیا بداند که در حکومت دکترا مصدق امنیت نیست آئین نامه در این مملکت رعایت نشده قانون رعایت نشده آزادی رعایت نشده حقوق بشری رعایت نشده و اکنون می خواهند ما را بفروشند (زنك متد رئیس) آقای رئیس شما که آئین نامه

این مذاکرات مشروح دو روزمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و ترمیر صورت مجلس

این است معنی امنیت و این است حقیقت آزادی آری مدنی معکوس گردد کارها دزد دارد شعرا بردارها آفتاب منعم حقیقت ممکن است برای مدنی معکوس باشد ولی برای همیشه معکوم نخواهد ماند و آفتاب حقیقت از پشت پرده سالوس وریا تجلی خواهد کرد و آن وقت است که بقول لسان الغیب بیانک چنگ بگویی آن حکایتها که از نهفتن آن دیدک سینه می زند جوش آفتابان معترم آقای دکتر مصدق اینک در صدر اجراء انتخابات دوره ۱۷ مجلس شورای ملی هستند بقراری کسطن گویان دولت ایشان بنام دنیا اعلام می کنند تصمیم دارند اعمال دولت را از مداخله در امر انتخابات ممنوع و بپردم اجازه دهند که آزادانه و مستقلی خود را انتخاب کنند ولی این جانب از عموم مردم فہیم مشغول سؤال می کنم آیا واقعا کسی می تواند شرافتمندانه دعوی کند عناصری که قدرت حکومت و خود دکتر مصدق را در دست دارند و سلسله جنیان وفا بی بودند که یک میلیون جمعیت بیدار و روشن فکر پایتخت در روز چهاردهم آذر بیچشم خود دید اجازه خواهند داد که در فلان قصبه یا شهر دور افتاده مردم آراء خود را بصندوق بریزند ؟ آقای دکتر مصدق شمارا بخدا قسم وقتی مرتکب این فجایع و اختناق کنندگان افکار ملت ایران این اعمال را در جلو چشم شما بنام مبارزه با حزب موهوم توده بعباس شما می گذارند شما هم باور می کنید که بملت خود خدمت کرده اید و یا این که ملت ایران باید بعنوان این فجایع هم باشند ؟ آخر حزب توده با فرض وجود چه رفتاری می تواند داشته باشد که بیش از این نفرت آور باشد ؟ آیا معنی آزادی بمقدمه شما و اطرافیان شما فحاشی و ارباب و کلاه مجلس و غارت روز نامه ها و آتش زدن بخانه مردم و کتابخانه ها است ؟ آیا آزادی و حکومت ملی شما بزیاده گذاردن شرف و کلا و مخالفین شماست که حتی جرئت رادرفتن در شهر تهران را از دست چاقو کش های شما نداشته باشند ؟ آقایان معترم در چندماه گذشته مدنی حکومت پارلمانی و آزادی فکرو عقیده و انتقاد را آنطوریکه امون و انصار آقای دکتر مصدق و خود ایشان استنباط میکنند دیدیم و پیشدیم و چون یقین است که اصلاحات اساسی و بهشت موهومی هم که شما وعده می دهید باید بدست همین اشخاص که ایشان را اشخاص کرده اند و نامزد دوره ۱۷ ایشان

انجام شود ملت ایران از هم اکنون میتواند به امدت این اصلاحات پی ببرد من که تا چنان دارم زیر بار این نوع حکومت وحشت و ترور و ارباب نعوام رفت با عدلیات مأمورین دولتی را در آذر آفتابان دیده و شنیده اند بنده برای نمونه شرح حال یک مرد بیچاره را که برضه ای هم توسط من بمقام ریاست نوشته است عرض نموده و عریضم را خانه می دهم **نایب رئیس** آقای فولادوند وقت شاتمام شد **قاسم فولادوند** - اجازه بفرمائید عریضه یکی از کتابفروشیهای خیابان امیریه است بنام سنجری که این تمام سرمایه اش که بوسه هزار تومان نبرسد غارت شده و از بین رفته عریضه ای نوشته و خواهش کرده است بنده در این جا بخوانم من چند شب که در می شدم دیدم این مرد و عائله اش بچه هایش روی زمین نشسته اند هر چه داشت سوزانده اند با چهار یا پنج بچه بیچاره شده است من آنشب بیست تومان باو دادم که اقلا عائله اش از گرسنگی نبرد و چون اجازه نمی دهید که عین عریضه اش خوانده شود تقدیم مقام ریاست می کنم این است آزادی **پیراسته** - جناب آقای گنجی نوبت بنده است **نایب رئیس** - نوبت شمارا آقای جمال امامی استفاده کردند **پیراسته** - تغییر بنده ندامت **جمال امامی** - من نوبت ایشان را نگرفتم آقای نخست وزیر گفتند اگر حرفی دادید بگوئید من صحبت کردم **نایب رئیس** - بفرمائید **پیراسته** - برای بنده فوق العاده اسباب تاسف است که با ازاد چند سانساهی که با آقای دکتر مصدق و فامیل ایشان دارم امروز بیایم و با دولتی که ایشان در رأس آنست مخالفت بکنم ولی آقایان معترم آقای دکتر مصدق و فامیل ایشان و هزارها امثال ایشان و میلیونها امثال بنده باید فدای مملکت بشوند نه مملکت فدای افراد ، بنابراین من آنچه بنظر می رسد با توجه باینکه وقت کافی نیست و آقایان هم چون وقت گذشته است و ممکن است گرسنه باشند و نخواهند که بر میض بنده توجه بکنند با اختصار رموس مطالبی را که مورد نظر بنده است بعرض آقایان میرسانم این روزها همه که ناظر وضع آزادی در ایران می باشیم می بینیم با مردم ستم دیده و محروم از همه چیز این مملکت چگونه رفتاری میکنند مصادف با روز تصویب اعلامیه حقوق بشر از طرف سازمان ملل متحد است که کشور ما نیز یکی از اعضای آن بشمار می رود **اهم مقررات اعلامیه جهانی حقوق**

بشر عبارت است از آزادی فسردي و اجتنامی و بیان عقیده و قلم در حدود قوانین و بهره مندی از حمایت قانون و تشکلات دولتی بتساوی برای همه افراد که متأسفانه در ایران دروضع حاضر همه حتی نمایندگان مجلس گواشتمین قانون و ناظر امور مملکت هستند از آن بکلی بهره مند هستند بطوری که آقایان مردانید ما در وضعی فرار گرفته ایم که از ابتدائی ترین حقوق بشریت محروم شده ایم **بنده** در قاموس فارسی لغتی سراغ ندارم که بتوان اوضاع کشور و وضع حادثه ۱۴ آذر را بوسیله آن تشریح کرد قریب بهشت ماه است که دولت فعلی تشکیل شده و روزی که زمام امور را در دست گرفت به مجلسین مردم وعده داد که ظرف چند روز دست کمیانی سابق غاصب نفت جنوب را از دامن ایران کوتاه و روزی سیصد هزار لیره منافع آن را عاید خزانه دولت و ملت خواهد کرد مجلسین به این امید به اتفاق آراء بدولت رأی اعتماد داد و مردم هم که مدت نیم قرن از مظالم دول استعماری به جان آمده اند با جان و دل و با احساسات بی سابقه دولت را در این موضوع تأیید کردند **یس** از آنکه بجای چند روز ضرب الاجلی که تعیین کرده بود و صریحاً در مجلس بنمایندگان و مردم وعده داده بود گذشت و گذشته از آنکه خبری از عاید کردن روزی سیصد هزار لیره موعود بخزانه مملکت نشد عده ای همچون چاپاول کران که فرصت کافی برای غارت ندارند بی محابا دست تجاوز و تعدی نسبت به بیت المال کشور گشودند و خود را زیر سیر نفت پنهان ساختند و از بودجه دولت و ثروتهای هنگفت باد آورده چند روز زمامداری خود چند نفر بد سابقه تراز خود را اجیر کرده و با انتشار اوراق بنام نویسنده گان و بانان و حامیان این اوراق است تثار کسانی کردند که باین روش درصدد اعتراض بر آمدند و گفتند نقشه شما چیست و مملکت را می خواهید بکجا ببرید **در تمام این مدت** نمایندگان اقلیت که بحکم وظیفه نمایندگان و بیاس سوگندی که بقرآن مجید برای حفظ منافع ملت ایران یاد کرده اند نمی توانستند ناظر این جریانات مملکت بر باد باشند و همین نویسنده گان جراید بیکه شرافت نویسنده گی خود را از دست نداده و باجاه و مال و مقام از جاده حقیقت جوئی منحرف نشده اند همواره از طرف اجامرو او باش دست خالی بر نگرند سرمایه یک خیاط تهدید می شدند هنگامی که موضوع ارجاع قضیه نفت ایران بشورای امنیت پیش آمد

نمایندگان اقلیت و مجلسین جراید مخالف برای اینکه تا هنگامیکه دولت در خارج بعنوان دفاع از حقوق ملت ایران مشغول است فراغت خاطر داشته باشد و باوجود مشاهده هزاران عمل خلاف قانون دولت اعلام سکوت و موافقت موقتی با دولت کردند دولت وقت و بطوریکه همه میدانید میدادند بدون انجام کوچکترین کاری بدست آوردن جزئی ترین موفقیتی مراجعہ کرد (حائز برزاده - این دیگر بی انصافی است) حالا مرض میکنم و بعد بجای آنکه بیایند جوانان را بفرموده در جریان حقایق امور بگذارند با زهم با اغفال و سرعت افکار عمومی پرداخت با ساز و دهل و طبل و نقاره جبران عدم موفقیت خود را بکنند ولی چون همه را شد و ماسکها کنار رفت مردم فهمیدند که مدت ۸ ماه اغفال شده و گول خورده بودند این بود که از هر طرف زبان بانتقاد و اعتراض بلند شد شاید آقای نخست وزیر هم قصد کناره گیری داشتند ولی عده ای هوجبی که در این مدت زیر عنوان فریبنده وریا کارانه از هیچ بهمه چیز رسیده اند مانع این کار شدند و چون دیگر یاد دواغ پردازی را دیو و هو و جنجال روزی نامه های اجیر و تهدید های فردی نتوانستند نفس هارا در سینه ها خفه کنند باز مردم را در بی خبری و اغفال نگاهدارند دست به یک کار بی سابقه و واقعا عجیبی زده اند که تصور آنهم برای هیچکس در هیچ دولتی امکان نداشت و آن واقعه روز پنجشنبه ۱۴ آذر بود در این روز اهالی تهران ناظر وضع فجیعی بودند مردم دیدند که یکدسته از چاقو کشان و اشرار معروف تهران که تنها مرجع جلو گیری از آنان قاعدتا باید قوای دولتی باشد تحت حمایت و ارشاد و کمک مسکابو نهایی ملو ازلیس مسلح بشارت و چاپاول ادارات جراید و حتی دکامکین پرداخته اند **آقایان معترم!** روز پنج شنبه ۱۴ آذر در پایتخت در بای تخت که این کارها را بکنند در جاهای دیگر چه می کنند در پایتخت کجور شاهنشاهی با حضور مجلسین و تمام مراجع قانونی دیگر روز روشن بلیس دولت حاضر مردم را غارت کرده و ادارات جرائد و محلهای دیگر را آتش زده و سرمایه نویسنده گان فاضل و شجاع را با غارت برده اند چون دوروز قبل از این حادثه محل روزنامه صبا بتیر سکرده بوده و آنها اطلاع نداشتند وقتی بمحل سابق هجوم آوردند برای این که این چاقو کشان که بزعم اعلامیه و مال و مقام از جاده حقیقت جوئی منحرف شده اند همواره از طرف اجامرو او باش دست خالی بر نگرند سرمایه یک خیاط بدبخت را که در آن محل سکنی گزیده بود بیضا بردند و در محل اداره روزنامه طلوع

شدیدم خواستند باین عمل وحشیانه عنوان مبارزه با عناصر چپ بدهند و در این مورد با غضب و خشم عمومی مواجه شدند زیرا تمام مخالفین عناصر چپ و از جمله بنده نمی توانیم تجویز کنیم که این نوع وحشیانه با مردم رفتار شود اگر فعالیت عناصر چپ را دولت مطابق قانون می داند چرا مزاحم آنها می شود و اگر خلاف قانون است چرا از طریق قانونی با آنها برخورد می کند و اگر مخالفین است که با وجود قوانین عیدیه موجود با زهم قانون جدیدی را برای جلوگیری از آنها لازم بود چرا لایح لازم بمجلسین تقدیم نکرد و اگر فساد در دستگاههای تعقیب می بیند چرا آنها را اصلاح ننموده بملامه دولت باید زندگی مردم را تا همین کند و فاصله های طبقاتی را برای جلو گیری از هدم رضایت مردم کم کند تا اینکه با سر نیزه و چاقو بجان مردم بدبخت بیفتد در صورت چون در توجیه این عمل وحشیانه بعنوان مبارزه با عناصر چپ هم با مخالفت منطقی و شدید افکار عمومی مواجه شد حالا بمعاذیر بدتر از گناه دست زده است و وعده می دهند که مسیبین را تعقیب خواهند کرد و معلوم نیست دولت چگونه میتواند دولت را تحت تعقیب قرار دهد **جسته** و گریخته شنیده می شود که بلندگوهای دولت می گویند دولت در این کار دخالتی نداشته است و راستی معلوم نیست چگونه از مردمی که خود ناظر و شاهد حمله او باش و ارادخل تحت حمایت بلیس مردم بی دفاع و بی پناه پایتخت بوده اند شرم نمی کنند و بملاوه با دلایل غیر قابل انکاری که در دست است چه می گویند ؟ اینک بطور فهرست دلایل بشرح میرسد ۱ - عکس های موجود که قسمتی از آن در جرائد چاپ شده است حاکیست که بلیس همه جا با چاقو کشان برای غارت مردم کمک کرده است ۲ - ارتباط بلیس های مهاجم با مراکز شهربانی بوسیله دستکاهای مخصوص شهربانی بوده که در رادیو تهران شنیده شده است نهایتاً چون صبح و ساعت خاموشی رادیو تهران بوده بلیس تصور نمی کرد کسی بشنود و حال آنکه چند نفر که رادیو را تصادفاً در آن ساعت برای گرفتن ایستگاههای دیگر گرفته بودند شنیده بودند که مرتب از طرف قوای مهاجم بمراکز بلیس گزارش داده می شده است که غارت فلان محل تمام و اینک هازم محل دیگر می باشیم ۳ - در تمام روز پنجشنبه از صبح تا نیمه شب عمل غارت ادامه داشته کما اینکه روز نامه های آتش و طلوع و فرمان و سیاسی و بعضی جرائد دیگر صبح غارت شده اند و روزنامه جانیساران و زلزله شب و اگر ابهامی تصور کند که دولت دخالت

۲۷ و ۱۱ نادر آراسته در ذیل این تلگراف هم نوشته شده است که مقصود این است که انجمن طوری تشکیل شود که اعضاء آن مخالف انتخابات کاندیدای مذکور نباشد

حکومت جایزه زشت...
تلگراف ذیل مطابق دستوری است که تحت شماره ۱۶۴۳ حکومت اسماک اهالی از اخذ تعرفه و دادن رأی تأثیری ندارد (آشتیانی زاده - روزی آتوت را هم بفرمائید که با بودند ؟ روزها را هم باید بشناسیم تمام مؤثرین در دستگاه را باید نام ببرید تا بشناسیم مانند کنوانسیون فرانسه دسته بدسته هم دیگر را متهم می کنیم)

فخست و فریو - این ها ۱۰ ورقه انتخابات دوره نهم بود که مربوط با شخص متوفی بود من برای اینکه با شخص غیر متوفی برنخورد این ده نمره را بنده انتخاب کردم - (جمال امامی - چرا برنخورد؟)

(آشتیانی زاده - مای خواهیم هایت حاکم را عوض بکنیم همای ماسرهای حاکم است) این تلگرافها که در شورای امنیت خوانده شد در تمام آمریکا انعکاس هدیه یعنی تمام مردم آمریکا دیدند که اهضای شورای امنیت به این تلگرافات مستمع بودند و نمایندگان تهران این تلگرافات را قرائت کردند و از مضمون این تلگرافات مطلع شدند و این تلگرافات سیل شد که شورای امنیت نتواند حقانیت انگلیس را تصدیق کند و رأی بدهد که بمضامین دولت انگلیس تمام بشود - من بشوری گفتم اگر این مجمع نخواهد چنین کاری ترتیب اثر بدهد دیگر در دنیا چه معنی است که بتواند حق و عدالت را مورد توجه قرار بدهد شورای امنیت هم تحت تأثیر این تلگرافات و عراض من قرار گرفت و امر بنفع ایران خانه یافت (مکی - پس همین دلیل است که مزد شمارا می خواهند بدهند) من بشورای امنیت گفتم که در جامعه ملل هم همین تکلیف صلح و آشتی را بایران و انگلیس کردند اما تصدیق می فرمائید که آشتی کرک بامیش به چه مناسبت ندارد همینطور همین پیشنهاد شد در ایران قرارداد ۱۹۳۳ منعقد بود یعنی من نمی گویم منمقد ، تنظیم خود و آن قرارداد بیاطل تا امروز اجرا شود ، بعد از خانه کار شوری ، من بر حسب دعوت یرزیدن ترومن که قبل از حرکت فرموده بودند ، ناچار بودم بواشنگتن بروم ، ولی نرفتم مجدداً د کتر ممالج ترومن به تلفن سکرد که شما وعده داده بودید که به واشنگتن بیایید . حال اگر می خواهید در بیمارستانی که مخصوص خود ایشان است برای شما تهیه جا کنیم در همان جا وارد بشوید و اگر میل دارید در بیمارستان نروید محل دیگری برای شما تهیه شود ، من اظهار تشکر کردم عقیده خود را این طور بیان کردم همان معنی که در بیمارستان هست برای من تعیین بشود . بعد از یک

شب توقف در فیلاولفی روز سه شنبه ای که اکنون تاریخ آن درست در نظر من نیست بدعوت آقای ترومن در منزل ایشان حاضر شدم و ناهار را باهم صرف کردیم بعد از ناهار آقای ترومن با من داخل مذاکره شد . من به آقای ترومن عرض کردم شما در باره ایران چه مساعدهتی کردید ؟ ایران که در مدت ۱۰ سال از هر چه داشت از راه اسکاس ، تمام چیز هائی که می توانست در اختیار من تعیین بگذارد ، خود داری نکرد و فداکاری نمود ، من از شما سؤال میکنم که نسبت به ایران چه مساعدهتی کردید ؟ درست است که شما با ما بواسطه بدل کرد ۵۰۰۰۰۰۰ و یک چند طیاره ای که برای مبارزه با منجه مرا می کردید و این موجب تشکرات ولی ایران هیچوقت انتظار نداشت که پس از آنکه متفقین ایران را که یل بیروزی نمایند از ما مساعدت و کمک شما معسر شود . من اکنون نیامده ام که از شما چیزی بخواهم . من آمده ام که شما با این اختلافی که ما راجع به نفت داریم ، جنبه بی طرفی اتخاذ بکنید و طوری کنید که کار بعد الت نصف خانه پیدا کند . آقای ترومن من گفتند که بسیار متاسفم که تا اکنون نتوانستیم آنطوریکه مقصود بوده است با ایران همکاری کنیم ولی امیدواریم که بعدها بتوانیم جریان مافات را بکنیم . اکنون آقای آچسن وزیر خارجه که حضور دارند و مورد اعتماد منند با شما داخل مذاکره می شوند و امیدوارم که انشاءالله کار شما بخوبی خانه پیدا کند . من از خدمت آقای ترومن بر مضامین ای که تعیین شده بود در تمام دو روز بعد آقای آچسن آمدند با من داخل مذاکره شدند . پس از مذاکرات زیاد ایشان اظهار نمودند که من باید برای ماوریتی که دارم به پاریس در مجمع ملل متفق حاضر شوم . در غیاب من آقای ملک کی معان من با شما داخل مذاکره می شود و امیدوارم کاری که شما در نظر دارید به خوبی خانه پیدا کند . آقای ملک کی قبل از اینکه بنده بواشنگتن بروم در نیویورک دومتبه با من ملاقات کردند . من اظهار کردند که نه شما می توانید بدولت انگلیس پیشنهادی بدهد از این پیشنهاداتی قرارداد بیاطل تا امروز اجرا شود ، بعد از که دادید و مورد قبول واقع نشد بدهید نه انگلیس می تواند بشما پیشنهادی بدهد پس بهتر آنست که من با طرفین تماس بگیرم و از نظریات طرفین مستحضر بشوم و بعد از آنکه دیدم می توانم یک پیشنهاد مرضی الطرفین تهیه کنم . آن پیشنهاد را بنام راهنا و دولت آمریکا بطرفین بدهم چون این مطلب بسیار منطقی بود منتهی قبول کردم و در واشنگتن با آقای ملک کی مدت ۲۰ روز متجاوزاً ۲۶ روز حال درست بغاطر ندارم همه روزه در تماس بودم و بعضی روزها اتفاقاً افتاد که آقای ژرژ

کار را راه بیندازم . من به پیوجو مطالب امتیاز بستم . من فقط می خواهم که کار نفع معوق مانده در بازار بین المللی جریان پیدا بکند منم با این قسمت اول موافقت کردم و بانک بین المللی بانکی نیست که ظاهراً مربوط بیکی از دول باشد و بانک بین المللی نمیتوانست از ما امتیازاتی بگیرد . بانک بین المللی می خواست موفق کار نفع را در جریان بیندازد تا تکلیف این امر بکلی معلوم شود . قسمت دوم هم این بود که بانک بین المللی می گفت قسمتی از مبادیات نفت را یک یورو - شدن صنایع را در مملکت خود قبول کرده بود ولی حکومت محافظه کار که بروی کار آمد قبل از انتخابات اظهاراتی نمود که برخلاف ملت صنایع بود . این جهت دولت محافظه کار نمی توانست بزودی برخلاف آنچه را که گفته بود عمل بکنند و با ما برای دادی متفق کند . دلیل سیم این بود که در مذاکرات وقتی که می گفتند یک شرکت بیطرفی در ایران بیاید و کار نفت را اداره کند و اینطور می گفتند که چون متخصصین انگلیسی حیاالت بیکارند ، باید یکمده ای از متخصصین انگلیسی هم در کار یک شرکت بیطرفی که بایران می آید شرکت کنند . من آنها گفتم از روزیکه من با این هیأت ایران وارد اروپا و امریکا شده ام هر فردی از افراد هریک از رجال امریکا یا بریک و تهنیت گفتند که ایران استقلال سیاسی خود را بدست آورده است و من هر قدر فکر می کنم برای تحصیل این استقلال غیر از اخراج انگلیسها از جنوب ایران کار دیگری نکرده ایم . بنا بر این اگر من هم حاضر شدم ملت ایران هیچوقت حاضر نیست استقلالی را که با اینهمه فداکاری بدست آورده است برایشان از دست بدهد . انگلیسها می توانند در تمام نقاط کشور تجارت کنند . توقف کنند ولی وجود انگلیسها و دخالت انگلیسها در نفت جنوب سبب خواهد شد که دنیا بابت ایران نسبت چون بدهد دنیا خواهد گفت ای ایرانی تو که برای حفاظت استقلال سیاسی خود این همه تحمل مشقت و زحمت کشیده ای چه طور شد که مجدداً راضی شده ای که انگلیسها می که در نفت جنوب بودند خارج شدند مجدداً وارد ایران بشوند ؟ بنا بر این اخراج انگلیسها در دست دولت نیست . من یقین دارم که ملت ایران هیچوقت راضی نخواهد شد که آن ها بایران مخصوصاً برای کار نفت مراجعت کنند (صحیح است) در انتهای که ما با ژرژ ملک کی مذاکره میکردیم بانک بین المللی هم بوسیله سفارت گریه ، پاکستان با من داخل مذاکره شد بانک بین المللی اظهار میکرد که من برای اینکه کار نفت راه بیفتد حاضرم پولی وجهی بیاورم در اینجا و این

مملکت نظری نداشته است این دولت هر کاری که کرده است در مصلحت مملکت بوده است (صحیح است) دولت اینکه کار ما بیطرف نکرده سوء سیاست شرکت سابق نفت بوده است اگر شرکت سابق نفت در دوره شانزدهم همین پنجاه درصد که الان حاضر است بایران بدهد قبول کرده بود من یقین دارم که هیچ اختلافی بین شرکت و ملت ایران نبود ولی شرکت بک مساجت هائی کرد شرکت خواست که از این منابع ما بقدری استفاده بکند که بایران هیچ نفعی این بود که ملت ایران را هصبانی کرد انتخابات تهران انتخابات یک عده ای در این شهر فرزند همومی بود مردم آنها را انتخاب کردند که بانفت کاملاً مغایرت داشتند در مجلس شورای ملی این عده که پشتیبان ملت ایران بود توانستند با کمک همکاری آقایان معتمد نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا نفت را ملی کنند دولتی که بعد از ملی شدن نفت تشکیل شد پیوجو حاضر نبود که یک خلع بد تمام معنی بکند دولت حاضر شد که برای مسالمت با شرکت ایران بر می خورد . بنا بر این بانک بین المللی می گفت که من حاضرم بروم و این کار را بچیران بیندازم ولی من بیانک بین المللی گفتم که این کافی نیست برای اینکه شما بروید و یک سرمایه می برید برای اینکه نفت را بچیران بیندازید ولی وقتی که نفت تهیه شد ممکنست که شما بیاید بگوئید که نفت شما را که امروز مطابق نرخ خلیج فارس یک دلار و هفتاد و پنج سنت مطابق کارت نرخ بین المللی قیمت دارد به پنجاه سنت می خرم آنوقت اگر ما فروختیم قبول است و اگر فروختیم باید مخرجی که شما کرده اید از منم بر آیم بنا بر این لازم است راجع بقیمت بین ما و شما توافق حاصل شود تا اگر آمدید نفت را بچیران انداخته ما بدانیم شما بچه قیمت نفت را در حساب ایران حساب می کنید بانک بین المللی گفت که چون من نمی توانم در اینجا بشما تصدیق بدهم یعنی این مطلب موکول باین خواهد شد که بعد از شما اطلاع بدهم و من نیوانم بچیران بشما این مطلب را برسانم من بچیران بانک بین المللی که چند نهمه بانم مذاکره کرده بود گفتم شما می توانید بوسیله تلفن باشخص خودم بایک تلگراف بایک نماینده نظری بخودتان را نسبت بقیمت اظهار کنید اگر قیمتی که شما تعیین می کنید نظریات ما موافقت کرد شما می توانید بایران بیاید و کار نفع را بچیران بیندازید و اگر نکرده من پیوجو صلاح مملکت را نمی دانم که شما بولی بیاورید در ایران خرج کنید و یک دردی بر دردهای دیگر اضافه بکنید اینجا لازمست برض آقایان معتمد برسانم که این دولت پیوجو قیراز صفر

خواهد با همان رویه قرن نوزدهم باملت ایران رفتار کند دولت ایران بتمام معنی مخالف آن چیزی است که مادر قرن نوزدهم دیدیم امروز هیچ ملتی نیست که بخواند استقلال و آزادی اودستخوش افراض دول استمداری بشود و اما راجع بانکه چرا ما موفقیت کاملی حاصل نکردیم اینجا لازمست عرض کنم که دولت امریکا گرچه ظاهراً بادولت ایران هم آهنگی میکند ولی نمایندگان آن دولت بضمی در تحت تأثیر انگلیس هستند که نمی توانند برای ایران کاری بکنند . من در اروپا سفرای امریکا را دیدم که همگی از رفتار وزارت خارجه امریکا شکایت میکنند . از آن جمله آقای درفوس ، آقای والاس مری ، آقای گریبی که اخیراً هم مقالاتی در جراید امریکا بنفع ایران و بر علیه وزارت خارجه امریکا منتشر کرده است . بنده صاف و بی پرده عرض می کنم که آقای ژرژ ملک کی بامن در این مدت ۲۵ روز مثل یک برادر صمیمی بود . آقای ژرژ ملک کی تمام مطالب منطقی دولت ایران را تصدیق میکرد ولی همین تصدیق سبب شد که ایشان را بلافاصله مأمور سفارت آنکارا بکنند . ما ناچاریم که این آزادی سیاسی خود را که بدست آورده ایم بهر قیمتی که باشد با تحمل هر مشقتی که باشد حفظ کنیم . آقایان محترم شامی بیاید که دولت انگلیس ، ملت انگلیس ده سال هفته بی دوروز برای عبادت و استقلال خود بیشتر گوشت نخوردند . ملت انگلیس حاضر شد که بالباس پاره زندگی بکند و سیادت و استقلال خود را حفظ بکند . هیچ ملتی نیست که بدون فداکاری بدون زحمت بتواند استقلال خود را حفظ کند . من وقتی که از قبول این پیشنهاد مایوس شدم ، حاضر شد که بیشتر از سابق در قضیه کاملاً مطلع و مستحضرند که شرکت نفت با چه لجاجتی و با چه سر سختی نفوسات این پیشنهاد دولت ایران را قبول کند پس از این که دولت ایران از قبول این پیشنهاد مایوس شد ، حاضر شد که بیشتر از سابق در قضیه اقدام کند دولت ایران بشرکت سابق پیشنهاد کرد که ما حاضریم با این که دولت انگلیس با شرکت سابق نفت همیشه تبلیغات می کردند که متخصصین انگلیسی حاضر نیستند که از دولت ایران کار قبول بکنند ، دولت ایران پیشنهادی بآنها داد و حاضر شد همان قرار دادی که این متخصصین با شرکت سابق عایدات نفت ما ۱۰ میلیون لیره بوده است که این عایدات هم بدستور دهنده گان وجه به مخرجی رسیده است که خود آنها همین کرده اند . از جمله یک نکت از این عایدات خرج خرید اسلحه شده که وقتیکه متفقین آمده اند آن اسلحه را از ما گرفته اند و برده اند ما می بایست تصور کنیم که عایدات نفت را داریم ، ما باید بگوئیم این مملکت نفتی ندارد ، این مملکت مثل افغانستان ، مثل سایر ملل اروپا دارای نفت نیست . ما باید از مخرج خود بکاهیم و بر عایدات خود بیفزاییم و ملت ایران تحمل هر گونه مشقتی را بکند تا طوق رفیق و بندگی را بگردن خود نکند . برای ما شایسته

نمایندگان مجلس سنا اتفاق هست اتفاق باشد ، پیوجو باجری مقصود خود موفق نمیشود . در امریکا که بودیم اگر یک سخنی در مجلس گفته میشد این را روزنامه هائی که هواخواه سیاست انگلیس بودند با آب و تابی انتشار می دادند می خواستند برسانند که این دولت در مجلس و در این مملکت هواخواهی ندارد . اگر کسی نتوانست بگوید که بین آقای شوشتری با دولت مصدق مخالفتی هست ولو اینکه بنده بسیار معسر باشم آقای شوشتری از نظر مصالح مملکت چشم پوشی کند و از گناهان کبیره من بگذرند آنوقت دنیا خواهد گفت که شوشتری در مجلس شورای ملی با دولت یکسخت و هیچ خارجی هیچ اجنبی نمی تواند در سیاست ایران اعمال نفوذ و رخنه کند (شوشتری - مگر میگذازند ؟) هم رخنه و عدم اعمال نفوذ سبب خواهد شد که مانی بتوانه سیاست خود را حفظ بکنیم اگر ما استقلال سیاسی خود را حفظ کردیم بطریق اولی می توانیم استقلال اقتصادی و در حفظ کنیم اگر آن حرف هائی که در روزنامه می نویسند و می گویند که این دولت توانستند نفت خود را از منابع نفتی دیگر بدست آورند صحیح است آنها را با ما چکار ؟ ما که بخیل نیستیم ما که حسادت نداریم که این دولت بتواند آنچه را که از ایران می بردند از راه دیگر بدست آورند اگر این حرف صحیح نیست آن ها مجبورند بیایند با ما قرارداد می منعقد کنند پس اگر اختلافی بین ما دیدند قرارداد می منعقد خود تنظیم می کنند و اگر دیدند که ملت ایران دست بدست داده ندر مجلس شورای ملی نه در خارج هیچ اختلافی بین مجلسین و دولت سر کار است حاضر هیچ قراردادی نمیشود . این برای چیست ؟ برای اینکه دولت انگلیس نمی تواند از دکتر مصدق و همکارانش آن یقین دارم که اگر ما نفت هم نداشته باشیم از زراعت خوزستان می توانیم جبران نفت را بکنیم (شوشتری - ای کاش اصلاً نداشتم) مگر این فقط در تمام این چهل سال چه عایداتی بداده است ؟ من مطابق صورتی که از وزارت دارائی گرفته ام در مدت چهل سال عایدات نفت ما ۱۰ میلیون لیره بوده است که این عایدات هم بدستور دهنده گان وجه به مخرجی رسیده است که خود آنها همین کرده اند . از جمله یک نکت از این عایدات خرج خرید اسلحه شده که وقتیکه متفقین آمده اند آن اسلحه را از ما گرفته اند و برده اند ما می بایست تصور کنیم که عایدات نفت را داریم ، ما باید بگوئیم این مملکت نفتی ندارد ، این مملکت مثل افغانستان ، مثل سایر ملل اروپا دارای نفت نیست . ما باید از مخرج خود بکاهیم و بر عایدات خود بیفزاییم و ملت ایران تحمل هر گونه مشقتی را بکند تا طوق رفیق و بندگی را بگردن خود نکند . برای ما شایسته

بهره برداری مادن سرتاسر مملکت باید در دست دولت ایران باشد چرا اینکار را کردیم برای اینکه اگر کوچکترین فایده ای حرکت سابق در ایران می بود دیگران هم ممکن بود همین تقاضا را از ما بکنند ما این صفت را در دست دولت دادیم تا مملکت ایران بتواند از هر گونه تقاضای خودداری کند دلیل سیاسی این بود که عرض شد اما دلیل اقتصادی بتر و من عرض کردم آقا ما قریب سیصد تا ۴۰۰ میلیون کسر دارم یعنی یک میلیارد بودجه مخارج است و بین شصده تا هفتصد میلیون بودجه مایدات ماست شامچلو و تصور میکنید یک ملیتی این اندازه بودجه آن کسر داشته باشد بتواند امنیت و نظامات را در مملکت حفظ بکند در بودجه مخارج مادیاری برسم اعتبار تولیدی نیست و چون در بودجه اعتبار مخارج تولیدی نیست همه زبانی از مردم مملکت هجوم با ادارات دولتی آورده اند گمان می توانیم آنها را اخراج کنیم ولی وقتی که ما بودجه مخارج تولیدی داشته باشیم میتوانیم در خارج کارهایی بکنیم که این مردم از ادارات دنبال کارهای آزادرونند کسر بودجه ما سبب شده است که بیکاری بدبختی در تمام مملکت حکم فرما شده و این بیکاری و بدبختی و عدم رضایت بخودی خود سبب میشود که صلح بین المللی را در مملکت ما دچار خطر بکنند آقا می ترسم هم با این مذاکرات من کلاما موافق بودم اینجا لازم است که من از تقاضای روز پنجشنبه هم عرض آقایان معترم برسانم روی همان اصل که عرض کردم که اگر نفاق بین نمایندگان مجلسین و دولت باشد استفاده می کنند اگر نفاق بین یکدسته از مردم این مملکت با دولت باشد خارجی ها همین سوء استفاده ها را میکنند اهلائی کرده بودند یکمده از اشخاصی که می خواستند میتینگ سیاری بدهند و در جلوی میدان بهارستان متوقف شوند و نظارات بکنند این اعلان برخلاف مقررات دولت بود زیرا دولت قبل از اینکه من مسافرت بکنم برای میتینگ میدان فوزیه را تعیین کرده بود و همچنین مطابق مقررات می بایستی سه روز قبل با ااره شهر بانی اطلاع می دادند این آقایان نه با ااره شهر بانی اطلاع دادند و نه حاضر شدند که میدان فوزیه بروند (تیمور تاش - السامه هم دارند میتینگ می دهند) ما بوسله چند بیابانه گفتیم که نایبند آخر در همان شب قبل از روز میتینگ در ساعت ۱۱ شب در راه بودند شامچلو اطلاع هم رسانیدیم که هر کس برخلاف مقررات رفتار بکند جلو گیری خواهد شد میدان میتینگ میدان فوزیه است و چون سه روز قبل خبر ندادند به چه وجه حق نظارات ندادند و نقشه دانشگاه را که می خواستند در آنجا وارد شوند آوردند و شش خیابانی که مربوط به دانشگاه بود قرار شد در تحت نظارت قوای انتظامی قرار بگیرد و همینطور هم بواسطه اقدامات آقای وزیر جنگ که من از

ایشان بسیار متشکرم و همچنین اقدامات وزارت کشور که با زهم متشکرم رسم شد که همه ای با بیان وعده های نظامی روز پنج شنبه این تقاطرها تصرف بکنند و نگذارند که کسی وارد دانشگاه شود من نمی خواهم از کاری که در ۱۶ آذر وارد شده از رئیس دانشگاه که می بایستی جلوگیری می کرد گله بکنم ولی در این باب ما تصمیم گرفتیم جدا اقدام شود و این قوای انتظامی بشام معنی جلو گیری کرد ولی بکنده ای از راه های دیگر از خیابانهای دیگر وارد خیابان شاه آباد شدند و آمدند در جلوی مجلس در بهارستان نظاراتی کردند سکه بالاخره متوجه شدند که آنها را متفرق بکنند و بکنند از صاحب منصبان وظیفه شناس این مملکت دچار خطر و بالاخره بر حمت از بدی بیوند این مسئله روز پنجشنبه صبح بود من می خواهم عرض کنم که اگر این آقایانی که میتینگ دادند آقایان وطن پرستی هستند می بایستی درک بکنند که چنانچه برخلاف نظریات این دولت که امروز وارد یک کار های مهمی است وارد یک مبارزهای است و در صلاح مملکت است که اقدامی نکنند پس اقدام این آقایان اگر هم سوء قصد نداشتند بضرر ایران تمام شد و من به چه وجه متأثر نیستم اگر به بعضی از اینها صدمه ای وارد شده باشد زیرا هر کس برخلاف نظامات رفتار بکند اگر دولتی هست باید شدیداً جلو گیری بکنند (صحیح است) والا نظامات در مملکت برقرار نخواهد شد و موجب هرج و مرج می شود (صحیح است) دولت موظف است اگر اهلائی کرد که یک عده بر خلاف نظامات رفتار نکنند آن عده از دولت اطاعت بکنند این دولت هیچ وقت موافق با آشوب طلبی نیست این دولت به چه وجه موافق با افرادی که می خواهند اختلال در کار نظامات بکنند نخواهد بود این دولت قویاً با هر کس که مخالف نظامات باشد مخالفت میکند و آنها را با دغا گاه نظامی اگر در صلاحیت دادگاه نظامی است و اگر نه بسایر دادگاهها تحویل می دهد اینجلا لازم می دانم عرض کنم از قضیه بعد از ظهر پنجشنبه نه تنها دولت بلکه خدا شاهد است که تمام این افراد دولت متأسف و متأثر هستند بعد از ظهر شنبه کارهایی اتفاق افتاد که به چه وجه مرضی دولت نبود و گمان هم نمیکنم که هیچکس از آقایان معترم هم باین عملیات رونا بدهند دولت اگر کاری واقع شد و مجازات نکرد مقصود در هر مملکتی ممکن است اتفاقاتی بیفتد دولت نمی تواند در تمام مملکت یک قوای تأمینیه برای همیشه بگذارد که اگر کسی خواست آشوبی بکند و اگر کسی خواست اختلال در امنیت بکند فوراً جلو گیری بکنند دولت البته در این شهر من می خواهم عرض کنم که قضیه روز

شنبه بعد از ظهر یک قضیه ای بود که غیر مترقبه بود در هر شهری ممکن است سرف هائی بیش بیاید اگر دولت برای کشف سارق و اموال صاحب مال اقدامی نکرد آنوقت مقصود است بدولت نمی توان گفت که چرا بعد از ظهر روز شنبه یک عده ای رفتند و اموال جاهائی را غارت کرده اند (آشتیانی زاده - پلیس در کامیون عیبشان بود) دولت یک عده ای را که عبارت بودند از آقای خواجهوی و اشرف سمنانی رئیس شعبه استیفاء و یکی هم عالی مستشار استیفاء اینها را تعیین کرد بکنند من از آقایانی که خسارت دیده اند تمنی می کنم استعدا بکنم نمایندگان خودشان را بفرستند و اشخاصی که مرتکب این جرم و خیانت شده اند معرفی بکنند اگر دولت وظیفه خود عمل نکرد آنوقت دولت را مورد شانت و ملامت قرار بدهند آقا دولت تابع مجلس است این دولت باید که رای جناب آقای شوختری در مجلس می آید و باید که رای می رود (آشتیانی زاده - این مجلس نمی تواند وعده نداد و ورقه کبود بدهد همیشه هم همینطور بوده) آقایان اکثریت هر ساعتی که رای ندادند نه این دولت هر دولتی که هست باید بروند خدا را بشهادت می طلبم که به چه وجه میل نداشتم در انتخابات این دوره شرکت بکنم (شوختری - اهلا هم نکند) زیرا برنامه است دولت از روز اول این بود که در قانون انتخابات تجدید نظر بشود و نظریه اش این بود که اشخاصی با سواد رای بدهند که بدانند چه اشخاص را انتخاب میکنند متأسفانه در این باب نمی خواهم عرض کنم تقصیری بود ولی ناچار عرض کنم تقصیر آن اشخاصی است که لایحه را باین ترتیب و باین شکل آوردند من روز اولی که خدمت اعلی حضرت مشرف شدم عرض کردم راجع به مجلس مؤسسان استعدا میکنم که اینکار تأخیر شود ۲ لایحه من دادم که اینها قبلاً به مجلس بیاید و تصویب شود یکی از آن لوائح راجع به مطبوعات بود و دیگری راجع به انتخابات اعلی حضرت فرمودند که من منصور الملک را می فرستم خانه شما با هم مذاکره کنید و ترتیب این کار را بدهید آقای منصور الملک آمدند لایحه مطبوعات را با نظر نمایندگان مطبوعات در منزل بنده تنظیم شد ولی ایشان تقدیم نکردند لایحه انتخابات را هم خود من تقدیم کرده بودم و ایشان دادم لایحه انتخابات من این بود که بلوکات از شهرها مجزی شود و در شهرها ما بتوانیم شصت و چهار نفر از دوستان نفرو کیل اصل چهارم قانون اساسی استفاده کنیم و با ده نفر و کیل شهر تهران ۷۴ نفر اشخاص با سواد از شهرها انتخاب کنند این لایحه ای که من دادم ضرری برای کسی

من بی نهایت تشکرمی که مرا این که شما تکلیف وحدانی مرا فرموده و بفرمایید تکلیف وحدانی من این است که تمام وای اگر مجلس شورای ملی رای نداد دیگر تقصیری ندارم دیگر من در مقابل ملت به چه وجه مسؤول نیستم خواهان دولت که آقای شوختری پیشنهاد کردند و مجلس شورای ملی رای نداد و ایشان رفتند (شوختری - دکتر جان من بکنم فرم) این را هم در خانه لازم است عرض بکنم که ماده هفت قانون اجرای مایه من نفت مصرف کنندگان سه ساله اخیر را ذیق دانسته است که نفت را ببرند ولی هیئت معنفا بمن اجازه داد و مطابق مقررات قانون بمن نوشته اند که دولت مجاز است بهر کس که می تواند نفت ایران را ببرد ولو اینکه با مدت یا بی مدت باشد دولت معامله کند من فردا به عارفتان هائی که در این شهر هستند می نویسم که تا ده روز اگر آمدند با دولت معامله کردند البته دولت با آنها معامله می کند و اگر نیامدند دولت ذیق است و میتواند با هر که خواست از ایران نفت ببرد ولو با مدت معامله کند البته آقایان معترم راضی نمی شوند که شرکت نفت سابق این ملت نجیب کهن سال شرافتمند را در مصیقه بکنند و این ملت را بروزی در پیورد که ناچار شود هر چه شرکت بگوید قبول کند این مسئله با وجدان آقایان تصور می کنم موافق نباشد من این را لازم بود در مجلس اعلام کنم (صحیح است)

شوختری - آقای دکتر از این و کلا بهتر گیت نمی آید

آشتیانی زاده - ماده نود بنده را هم اجازه بفرمائید

نایب رئیس - نوبت شما معفرظ است آقای مکی هم مطالبی دارند خواهش می کنم آقایان تشریف ببرند

مکی - عرض کنم در جلسه خصوصی امروز که بنده متأسفانه روی ملاقات و روی ایتمی که بعد متکراری همه وزارت از آقایان نمایندگان معترم داشتم پیشنهاد کرده که با موقعیت حکومتی مملکت این حب و بغض ها را کنار بگذاریم و با تأیید خون را با خون بشوئیم گفتیم بیاییم آب را واسه ترار بشوئیم خون را با آب بشوئیم الا این دوسایات مهرب می خواهد در شاین مملکت را بزند (شوختری - سه سیاست من سیاست انگلوسا کسن را یکی میدانم هر دو شان استعماری است و برای من همانطور که بارها عرض کردم خارجی خارجی است امریکا و انگلیس و روس یکسان است در سیاست خارجی دبلوک با اصطلاح باختری و خاوری اینها هر دو شان ذی علاقه هستند که ایران متشجع بشود دبلوک انگلوسا کسن می خواهند بگویند که از وقتی که نفت علی شده وضع ایران متشجع است و سیاست مقابل هم همیشه از تشنج و انقلاب استفاده کرده (صحیح است) این دوسایات الان با هم دیگر همکاری می کنند و می خواهند بین ملت ایران تفرقه بیندازند می خواهند مسئله اساسی مسئله مهم روز ما که مسئله نفت و باره کردن زنجیر استعمار است از بین ببرند (آشتیانی زاده - آنکه تمام شد) یک ملت آزاد و مستقل باید مستقل فکر بکند آقایان بیایید متفقاً فکر بکنید بنشینید دور هم در نظر از اقلیت و اکثریت زدهای اکثریت بنشینند ریش سفیدها بنشینند آقایان اقلیت هم بنشینند مجلس باید اقلیت داشته باشد مجلس بی اقلیت قبرستان است باید اقلیت داشته باشد اقلیت هم باید انتقاد خودش را بکند تا بتوانیم یک مجلس زنده داشته باشیم و امروز هم ملاحظه فرمودید که اکثریت با کمال حوصله تمام فرمایشات

عزیزانگی های اقلیت را تحمل کرد برای این مجلس کرد که بگویند در مجلس ایران آزادی وجود داشت و آنها آزادانه حتم بکنند صدق که مورد احترام آنها است ایران است بلکه مورد احترام تمام ملت اسلامی است و می خواهد محسب این مرد را بریزند (پشت وزیر - من محسب نمی خواهم) برای اینکه می خواهد در تمام خاور میانه بر علیه استعمار یک وحدتی بوجود بیاورد در هر کشوری در هر منطقه ای مملکت آقا تا قانون اداره می شود حکومت عدل است من ممکن است بخوبی از کار های دولت انتقاد داشته باشم ولی مملکت مملکت فعلا ایجاب می کند که دولت را نگاه بداریم برای اینکه این دولت نگاه داری یکی از سیاست هائی است که از جمله نادر به دوستیان مهمتر است ما می خواهیم زنجیر استعمار تمام خاور میانه را بپاره کنیم و موفق هم داریم میشود موقیت با سلامت خدا هم با ما است باید بگذردی همکاری کرد و اگر دولت هم خدای نکرده یک سکار هائی مخالف مقررات کرده بفرض محال من ایست دندان روی چکر بکنانم برای اینکه این مسئله حیاتی حل شود حلال من خواهش می کنم که فردا با خصوصی تشکیل بدین همه ای اکثریت یک جلسه خصوصی در مجلس تشکیل بدهند آقایان اقلیت هم تشریف بیاورند و با هم جرایدهم گذر این جا متحصن هستند آنها را می خواهیم با آبرو مندی باین تعصن خاتمه بدهیم زیرا وضع مملکت ما ایجاب می کند که یک آرامش برقرار باشد تا دولت بتواند این مبارزه ای را که خون جگر شده تا با اینجا رسانیده موفق بشود این مبارزه را تمام کند (صحیح است) والا اگر می خواهیم روی نصب برویم جار و جنجال برای همه ممکن و میسر است (صحیح است) من در هوای امروز این وضعیت را که

درم بخدا استقامت بوی باروت را کرده اگر در این مملکت نشانی خور انقلاب خود بنام هیچکس نیست هر دو طرف ما از بین خواهیم رفت اول باید مملکتی باشد استقلال باشد که من انتظار میکنم که کویز مجلس هستم شما انتظار بکنید که وکیل اقلیت هستید شما انتظار بکنید که نماینده اکثریت است اگر مملکتی نبود اکثریت نه اقلیت مردم دیگر هیچکس تأمین ندارد شما دارید جنگ داخل مجلس را به خارج سرایت می دهید (صفائی - دولت میکند) اجازه بفرمائید آقایان روی نصب بروید خواهش میکنم متأسفانه بیش شده و وجدان قضاوت بکنید من هراضی را که بسمع جنابعالی و آقایان میسرانم بخدا بنام مقدمات خالی از هر نوع حب و بغض است روی مصلحت مملکت می گویم آینه مملکت را دارم می بینم در هر حال دارم استقامت بوی بدی میکنم من ناچارم اعلام خطابه مجلس بکنم (صفائی - بدولت بکنید) بهر دو دسته اقلیت و اکثریت می گویم که این روش قابل دوام نیست و سرانجام بنا بر روی مملکت منجر می شود و اگر این دولت در حال حاضر خدای نکرده سقوط بکند مملکت بطرف انقلاب میرود من می دانم که هر از این دولت حمایت میکنم تمام باید بسنجید همه در راه استقلال مملکت و مادرت ملت ایران قدم بردارید این تقاضای بنده است از معضرم مقدس مجلس شورای ملی که آقایان اکثریت و اقلیت زعمایان بنشینند یک راه حل پیدا کنند و اختلافات راحل کنند که آقایان راهم من بپریم صحیح و سالم بشاهان برسانم

۳- روزین موقع جلسه بعد ختم جلسه نایب رئیس - جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده روز پنجشنبه ساعت ۹ صبح آقایان آشتیانی زاده و آقای امامی اهری معفو ظاست جلسه ساعت چهارم در دقیقه بعد از ظهر ختم شد نایب رئیس مجلس شورای ملی - جوآن گنج